روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

وطن امروز

پیامبر اعظم(ص):
چنان با مردم مصاحبت داشته باش که خود دوست داری به همان گونه با تو مصاحبت کنند.

اخبار

۱۴۷ کنسرت مجوز گرفتند

دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ۱۴۷ کنسرت موسیقی با ۳۳۳ اجرا در آذرماه خبر داد. دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آذر ۱۴۰۲، مجوز ۳۱۷ تک‌آهنگ، ۲۱ آلبوم موسیقی، ۳۱ نماهنگ، ۳۶ کتاب گویا و ۵۲ مجوز تاسیس و تمدید استودیوی صدابرداری و مراکز تولید و تکثیر آثار صوتی و تصویری را صادر کرده است. در مدت یادشده ۲ گروه موسیقی به خارج از کشور اعزام شده و ۱۴۷ اجرای موسیقی با ۳۳۳ دفعه اجرا روی صحنه رفته است. در میان تک‌آهنگ‌های مجوز گرفته، ۲۴۰ اثر در ژانر موسیقی پاپ، ۲۵ اثر در ژانر موسیقی نواحی، ۸ اثر در ژانر موسیقی سنتی، ۲ اثر در ژانر موسیقی تلفیقی، ۱۳ اثر در ژانر موسیقی کلاسیک، ۱۰ اثر در ژانر موسیقی الکترونیک و ۳ اثر در ژانر موسیقی ارکسترال تولید شده‌اند. در بخش آلبوم‌ها نیز مجوز ۵ آلبوم موسیقی سنتی، ۵ آلبوم موسیقی پاپ، ۶ آلبوم موسیقی نواحی، ۲ آلبوم موسیقی تلفیقی و ۳ آلبوم موسیقی کلاسیک در آذر ۱۴۰۲ صادر شده است.

دعوت از هنرمندان برای طراحی نشان دائمی «نمایشگاه رسانه‌های ایران»

مدیر اجرایی بیست‌وچهارمین نمایشگاه رسانه‌های ایران از آغاز زمان پیش‌ثبت‌نام رسانه‌ها برای حضور در این نمایشگاه خبر داد و از هنرمندان و علاقه‌مندان دعوت کرد در طراحی نشان دائمی این نمایشگاه شرکت کنند.

احسان حامدمقدم، مدیر اجرایی نمایشگاه رسانه‌های ایران گفت: «بیست‌وچهارمین نمایشگاه رسانه‌های ایران بعد از ۶ سال توقف، بهمن‌ماه سال جاری در مصلای تهران برگزار می‌شود». حامدمقدم تاکید کرد: «با توجه به تنظیم تقویم نمایشگاه امسال، طیف وسیعی از رسانه‌های فعال در صورت داشتن شرایط لازم و تایید در نمایشگاه حضور خواهند داشت». به گفته مدیر اجرایی این دوره از نمایشگاه کانال‌ها و صفحات مجازی، رسانه‌های برخط، نمایندگی رسانه‌های خارجی و روابط عمومی دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با حوزه رسانه و تبلیغات نیز می‌توانند در بیست‌وچهارمین نمایشگاه رسانه‌های ایران شرکت کنند و پیش‌ثبت‌نام از طریق وب‌سایت pressexpo.ir انجام می‌شود. حامدمقدم در ادامه گفت: «ستاد اجرایی نمایشگاه رسانه‌های ایران بعد از ۶ سال و تغییر رویکردی که داشته، از هنرمندان و طراحان گرافیک دعوت کرده «نشان دائمی» این نمایشگاه را طراحی کنند». این مدیر اجرایی توضیح داد: «این نمایشگاه درصدد است طراحی نشان دائمی (لوگو - آرم) این رویداد ملی را با توجه به جنبه‌های اصیل و فضای نوپدید رسانه‌ای از طریق برگزاری فراخوان به رقابت بگذارد». به گفته احسان حامدمقدم، طرح‌ها و ایده‌های دریافتی توسط اساتید، صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه داوری و در نهایت ۳ طرح برگزیده توسط ستاد اجرایی معرفی شده و جوایز نفیسی به آنها اهدا خواهد شد. بیست‌وچهارمین نمایشگاه رسانه‌های ایران ۲۳ تا ۲۸ بهمن در مصلای تهران برگزار می‌شود.

گلزار به تلویزیون بازگشت

با اعلام رسمی صداوسیما مبنی بر اجرای مسابقه «پانتولیگ» توسط محمدرضا گلزار، بالاخره تکلیف حضور این بازیگر در شبکه ۳ مشخص شد. عنوان شده است «پانتولیگ» برنامه‌ای در حوزه مسابقه و سرگرمی است و با اجرای محمدرضا گلزار، بزودی از شبکه ۳ سیما پخش خواهد شد. بازگشت محمدرضا گلزار به آنتن شبکه ۳ را شاید بتوان پیش‌فرضی برای بازگشت سایر چهره‌ها به سیما دانست. نام محمدرضا گلزار آذرماه امسال به دلیل انتصاب به عنوان عضو هیات‌رئیسه انجمن پدل مطرح شده بود. او پیش‌تر در سال ۹۷ نخستین حضورش در قاب تلویزیون را با اجرای مسابقه «برنده باش» تجربه کرد؛ هرچند تعطیلی ناگهانی این مسابقه و خروج از جدول پخش به دلیل شائبه‌های مطرح شده، پایان خوشایندی را برای آن رقم نزد. پس از تعطیلی برنامه شبکه ۳، گلزار سراغ اجرای مسابقه «هفت خان» در شبکه نمایش خانگی رفت که شباهت‌های زیادی به «برنده باش» داشت اما «هفت خان» به مسابقه‌ای پربیننده تبدیل نشد. اجرای مسابقه سوم توسط محمدرضا گلزار پس از «برنده باش» و «هفت خان» در حوزه اطلاعات عمومی، با محوریت بازی پانتومیم، یک مسابقه سرگرم‌کننده خواهد بود که به نظر می‌رسد جنس متفاوتی از اجرا را می‌طلبد و شاید چالشی جدید برای این بازیگر محسوب شود.

نادر سلیمانی تمام جوایزش را به خانواده شهدا تقدیم کرد

نادر سلیمانی که در چهلمین جشنواره فیلم فجر موفق به کسب سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد به دلیل بازی در فیلم «ضد» شد و برای اکران این فیلم سینمایی در اهواز به استان خوزستان سفر کرده بود، در گفت‌وگویی اظهار کرد: بسیار خرسندم که امروز در سرزمین پدری‌ام یعنی خوزستان حضور دارم. خوزستان گنجینه‌ای از توانمندی‌ها و فرصت‌هاست که متاسفانه مهجور واقع شده است. وی افزود: این خاک مقدس، آغشته به خون شهداست و همیشه به عطر وجود شهدا مأنوس است و من با افتخار اعلام می‌کنم تمام جوایزی را که کسب کردم، تقدیم خانواده شهدا می‌کنم. همزمان با حضور این هنرمند عرصه سینما، نقاشی پرتره او توسط فرزند شهید فاطمی‌اطهر از شهدای مدافع حرم خوزستان به او اهدا شد. فیلم سینمایی «ضد» به همت موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان و با حضور نادر سلیمانی، هنرمند پیشکسوت کشور و برنده سیمرغ بلورین نقش مکمل مرد در سینماهای خوزستان اکران شد. این فیلم به کارگردانی امیرعباس ربیعی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی است که به عنوان محصول سازمان سینمایی سوره حوزه هنری انقلاب اسلامی، برای نخستین‌بار در چهلمین جشنواره فیلم فجر اکران شد. «ضد» به نویسندگی حسین تراب‌نژاد، درباره یک عشق در دلِ حوادث سیاسی است که پس از سال‌ها دوباره شعله‌ور می‌شود. قصه این فیلم از زمستان سال ۵۹ شروع می‌شود و تا تابستان ملتهب سال ۶۰ ادامه می‌یابد. مهدی نصرتی، لیلا زارع، لیندا کیانی، نادر سلیمانی، مجید پتکی، روزبه رئوفی، عماد درویشی، مهشید جوادی، شیرین آقاکاشی و امین خانی بازیگران اصلی این فیلم هستند.

ردپای خصومت تاریخی ریدلی اسکات با فرانسه در فیلم ناپلئون

تسویه حساب انگلیسی

مهدی طاهرخانی: کدام ناپلئون را دوست دارید ببینید؟ آنچه حقیقتا در متن تاریخ بوده؛ با فتوحات مشخص، تاکتیک‌های بکر جنگی که معادلات ابتدای قرن ۱۹ میلادی را از نو تعریف کرد یا یک نسخه دیگر با ضعف‌های احتمالی یا به واقع تخیلی از یکی از بزرگ‌ترین مردان تاریخ جهان و فرانسه؟

اولی را در تاریخ و متون به جا مانده و مهم‌تر از همه در اسناد مستند پیدا می‌کنید اما روایت دیگر را احتمالا تنها در نهانخانه فکر یک انگلیسی کاربلد در امر حماسه‌سازی.

بی‌تردید «ریدلی اسکات» بلد است حماسه را بسازد؛ همین ۲۴ سال قبل با «گلادیاتور» ثابت کرد بازی و قواعدش را بهتر از سایرین می‌داند و بلد است اما یادتان نرود او ضدحماسه را هم می‌شناسد و توانایی خلقش را دارد.

اسکات در نهمین دهه زندگی‌اش احتمالا دچار همان احساسات سال‌های ابتدایی نوجوانی شده است.

کتاب تاریخ دبستان (نسخه انگلیسی‌اش) را به یاد می‌آورد. ناپلئون بناپارت یک فرانسوی جسور بود که در ابتدای قرن نوزدهم، همه اروپا را در چنبره خویشتن داشت و دست آخر انگلیسی‌ها در واترلو نسخه‌اش را پیچیدند. خب! انتها که مشخص است. او همه توانش را برای همان انتها گذاشته اما باید ابتدا را هم به روش خودش سلاخی می‌کرد که کرده است!

نیامده از آن همه جنگ و نبرد بزرگ که ناپلئون در آن پیروز شد، درست حرف بزند. در کدام سکانس فیلم شما شاهد یک صحنه ساده از یکی از صدها نبوغ نظامی ناپلئون در جنگ‌ها بودید؟

حتی در فتح مسکو هم شکست تداعی‌گر است تا به آتش کشیدن پایتخت روسیه تزاری!

اسکات دروغ نگفته اما عوض کشیدن یک طرح حماسی و طبیعتا برجسته‌سازی نقاط قوت شخص، سراغ ترسیم یک کاریکاتور رفته است. هیکل تقریبا چاق، فربه و قد نه چندان بلند ناپلئون را ضریب داده و او را یک مرد تقریبا دست و پاچلفتی و بچه‌ننه در جنگ‌های تن به تن معرفی کرده؛ نه یک بار که ۲ مرتبه.

ابتدای فیلم در حمله به قلعه تولون اگر یک سرباز فرانسوی به دادش نمی‌رسید، از قاب دوربین اسکات او می‌مرد! چه نابغه نظامی و جنگاوری که از یک سو شجاعت رفتن به قلب میدان جنگ را دارد اما از سوی دیگر هنر شمشیرزنی را نمی‌داند؟!

در صحنه دیگر که مربوط به سکانس کودتاست، خلاف نسخ اصلی یا آنچه شرحش رفته، ناپلئون را یک دست و پاچلفتی ترسو به نمایش می‌گذارد که در حال فرار کردن در راپله‌ها مرتب سکندری می‌خورد، همچون بزدل‌ها فرار می‌کند و به پشت چند سرباز برای حفظ جانش می‌رود.

شاید در نسخ کتب دبستان بریتانیا که ریدلی اسکات در مدرسه آن را می‌خواند، آنها این چهره کاریکاتوری را از دشمن دیرینه‌شان کشیده‌اند! شاید هم ترشحات ذهن ریدلی در پیری است که خواسته یک اثر به «لولو» تقدیم کند، بی‌اعتنا به نص صریح تاریخ. حالا به «لولو» می‌رسیم که کیست و چرا اسکات اصرار داشته فیلمی برایش بسازد.

مورخان اعتقاد دارند بسیاری از اتفاقات فیلم نه به تاریخ ارتباط دارد و نه حتی رخ داده است.

چهره اصلی‌تر فیلم که همپای ناپلئون به او پرداخته می‌شود، ملکه ژوزفین است؛ همسر اول ناپلئون. معشوقه واقعی او اما او بیوه یک افسر سلطنتی است که انقلاب با گیوتین به سراغ شوهرش رفته است. ۲ فرزند پسر و دختر هم دارد. ناپلئون عاشق او می‌شود. ازدواج می‌کنند، در همه جنگ‌ها، در بین کشتار صدها هزار نفر، فقط این ژوزفین است که به ناپلئون آرامش می‌دهد و در قالب این نامه‌نگاری‌ها ما متوجه این عشق آتشین یک طرفه می‌شویم! اما در نسخه اسکات، ژوزفین خیلی بی‌علت خیانت می‌کند! وی برخلاف آنچه در تاریخ آمده، خیانت ژوزفین را عامل ترک سپاه فرانسه در مصر عنوان می‌کند. در یک اثر تاریخی، به اتفاقات رخ داده مومن نباشی دیگر نامش فیلم تاریخی نیست. ریدلی اسکات ادعا می‌کند چون کسی آنجا نبوده، همه واقعیت را نمی‌دانند. از این رو خودش استنباط کرده که بین خیانت ژوزفین و ترک اردوی سپاه مصر باید رابطه‌ای باشد. می‌آید و این را به تصویر می‌کشد. اینجاست که باید گفت خواهشا برای فهمیدن تاریخ، سراغ این فیلم نروید که حقیقتی در آن مستتر نیست. اما قسمت بدتر ماجرا آنجاست که ناپلئون با وجود خیانت ژوزفین، قادر به جدایی از او نیست و در ادامه خواهید دید این مرد جنگی که تقریبا بیشتر اروپا را با جنگ و خونریزی گرفته بود، «برده»یک بیوه می‌شود و در یک سکانس، همچون سگ رفتار می‌کند آن هم برابر دیدگان دیگران!

نسخه‌ای کاملا انگلیسی‌پسند در شناخت اسطوره کشور مجاور و سابقا دشمن!

نه اینکه در زندگی واقعی، ناپلئون بناپارت، مردی بی‌اشتباه و همه‌چیزدان بوده، نه اینکه او یک فرد ضدجنگ و صلح‌دوست بوده و نه اینکه صرفا زندگی زناشویی بسیار مستحکم و پاکی هم داشته است، نه! ناپلئون یک قدرت‌طلب خونریز بود که میلیون‌ها انسان را قربانی میل قدرت‌طلبی خود کرد. اخلاق حکم می‌کند نام نیکی از او در تاریخ ذکر نشود اما در تصویر کاریکاتورگونه ریدلی اسکات از ناپلئون ما همه ضعف‌ها را بسیار بزرگ شده‌تر و مضحک و غیرقابل بخشش می‌بینیم؛ از قد و هیکل گرفته تا خلق و خوی زناشویی؛ یک کاریکاتور از ناپلئون.

در این تصویر انگلیسی از ناپلئون، هیچ اثری از تصمیمات بزرگ او در میدان سیاست و جنگ نمی‌بینیم. خب! پس اگر حقیقتا ناپلئون آن است که اسکات به تصویر کشیده، پس چگونه ممکن است این فرد یکی از معروف‌ترین انسان‌های تاریخ جهان باشد؟ یکی دارد این وسط دروغ می‌گوید؛ یا مورخان و مستندات تاریخی یا...

از لحاظ تکنیک فیلم‌سازی و تصویرگری و حتی ملودرام، ریدلی اسکات فیلم قابل قبولی را ساخته است. همان‌طور که گفتم مشکل بزرگ، روایت تاریخ است، شاید اگر عوض نام ناپلئون او یک قصه تخیلی از یک فرد خودساخته در برهه‌ای از تاریخ فرانسه را خلق می‌کرد و در همان ابتدا می‌نوشت این فیلم واقعی نیست، آن گاه کسی در انتهای اثر وقتی می‌خواند که ریدلی اسکات این اثر را به «لولو» تقدیم کرده است، متحیر نمی‌ماند!

شاید هم نگاه واقعی و انسانی‌تر این باشد که باید بپذیریم انگلیسی‌ها آخرین افرادی هستند که حق دارند درباره دشمن بزرگ تاریخی‌شان، همه حقیقت را بگویند. چه خوش‌مان بیاید چه نه، ناپلئون از بزرگ‌ترین افراد در تاریخ فرانسه است و فرانسه قرن‌ها با انگلیس نه تنها دچار اصطکاک که عملا جنگ بوده است. ریدلی اسکات همه سکانس‌ها را سریع ساخته، از فتوحات ناپلئون فقط تعداد سربازهای کشته شده‌اش را شمرده تا برسد به مهم‌ترین قسمت تاریخ از نگاه انگلیسی‌ها؛ جنگ واترلو!

همانجا که بزرگ‌ترین و آخرین شکست بناپارت رقم خورد. مدت زمان و جلوه‌های ویژه سکانس‌های واترلو برابری می‌کند با همه فتوحاتی که ناپلئون در فیلم داشته و کارگردان به سرعت و بی‌تفاوت از آن می‌گذرد. یا چهره شکست بر آن می‌پاشد.

روایت است کسی آمار افراد کشته شده را از فرمانده فاتح نمی‌پرسد، چون او کار مهم‌تر یعنی فتح را انجام داده اما ریدلی اسکات حتی این اصل را هم در انتهای فیلم به هیچ می‌انگارد و درست در همان لحظاتی که فیلم را به «لولو» تقدیم می‌کند، در حال شمردن افراد کشته شده در جنگ‌های ناپلئون است!

یک چیزهایی هرگز درست بشو نیست؛ شما برای ساختن یک فیلم حقیقی و واقعی درباره یک شخصیت تاریخی نباید سراغ مردی بروید که درست در آن سوی ماجرا بوده است. وقتی یک انگلیسی بخواهد درباره ناپلئون فیلم بسازد، می‌شود همین کاریکاتور؛ خرده‌حساب‌هایی که روی پرده سینما تسویه می‌شود.

مثلا از بالیوود و یک کارگردان هندی بخواهید بیاید درباره زندگی نادرشاه افشار فیلم بسازد. احتمالا در فیلم ساخته شده فقط به روزهای پایانی زندگی نادر پرداخته خواهد شد که با درفش داغ پی پسر بزرگش بود تا کورش کند!

یا مثال ساده‌ترش، از یک کاریکاتوریست حاذق بخواهید یک طرح حماسی برای شما بکشد! مسلما او همه نکات ویژه و برجسته را پنهان می‌کند و عدل سراغ ضعف‌ها می‌رود تا آنها را برجسته کند! نتیجه هم می‌شود کاریکاتور که تعریف خاص خودش را دارد. نه اینکه یک کاریکاتور و کارتون صرفا دروغ باشد نه! اما مشخصا طراح تنها سراغ چیزهایی رفته تا با برجسته‌تر کردنش، شکل خنده‌دار به اثر بدهد.

و در انتها شاید ما همه اشتباه می‌کنیم و حقیقتا سلیقه «لولو» چنین شکلی از ناپلئون را می‌پسندیده و کارگردان شهیر انگلیسی هم بی‌دغل‌بازی، اعتراف کرده این اثر را به «لولو» تقدیم می‌کند! راستی یادم رفت بگویم «لولو» سگ ریدلی اسکات است که در پایان فیلم، وی این اثر را به او تقدیم می‌کند.

در نشست خبری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد

مردمی‌سازی و عدالت فرهنگی

گروه فرهنگ و هنر: نشست خبری محمدمهدی اسماعیلی صبح روز گذشته با حضور اهالی رسانه در سالن شهید آوینی سازمان سینمایی وزارت ارشاد برگزار شد.

اسماعیلی در ابتدای این نشست بیان کرد: حلول ماه رجب را خدمت همه تبریک می‌گویم. ولادت امام محمدباقر(ع) در آغازین روز این ماه قرار دارد که جای تبریک ویژه دارد، امیدوارم خداوند به همه ما و همه مومنان این توفیق را بدهد که از ۲ ماه نورانی رجب و شعبان با اندوخته‌ای مناسب وارد شهرالله اکبر شویم و میهمانان خوبی در ضیافت خدا باشیم.

وی افزود: خوشحالم که امروز در این مناسبت مبارک در ارشاد در خدمت شما هستم. من به مناسبت‌های مختلف در جمع‌های مختلفی از شما حضور داشتم؛ در جمع‌های تخصصی‌تر، در قالب نشست‌های حوزه فرهنگی و هنری، در حیاط دولت و در هر رویداد فرهنگی بودم‌ام، به همین دلیل خدا را شاکرم که انس و الفتی در مدیریت ارشاد با رسانه‌ها برقرار است.

وزیر ارشاد گفت: در این فرصت چند دقیقه‌ای مسیر طی شده را قرار است مرور کنم و نگاهی به افق پیش رو داشته باشم. در وزارت ارشاد کار را زمانی شروع کردیم که کشور دچار بلیه کرونا بود و همه فعالیت‌های عمومی کشور از جمله فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای تحت تأثیر آن قرار گرفته بود.

وی ادامه داد: در همین اتاق وزارتی وقتی خبرنگاری از من پرسید که در لحظات اولیه آغاز به کار شما، اولویت شما چیست؟ گفتم آنقدر کرونا همه جوانب و اقتصاد و معیشت اهالی فرهنگ و هنر و مهم‌تر سلامت آنها را تهدید می‌کند که ما باید چاره‌جویی فوری داشته باشیم. وزیر فرهنگ تاکید کرد: ما سال گذشته بعد از خارج شدن از کرونا و موفقیت بزرگی که در مدیریت این بیماری

فراگیر به وجود آمد و در مقایسه با بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته غربی با یک مدیریت جهادی و مردمی از این دام عبور کردیم، با یک فتنه فرهنگی مواجه شدیم که بر فعالیت‌های اهالی فرهنگ و هنر و رسانه سایه انداخت. ما به دنبال عادی‌سازی فعالیت‌های حوزه فرهنگ و هنر بودیم، با استقبال گسترده مردم و مشارکت اهالی فرهنگ و هنر به دوره رونق وارد شدیم، امروز دوره پررونقی را در حوزه فرهنگ و هنر سپری می‌کنیم. اسماعیلی گفت: سال گذشته در این ایام که برای برگزاری رویدادهای مهم و ملی آماده می‌شدیم، با تهدیدات مهمی مواجه شدیم که اساس فعالیت‌های فرهنگی و هنری را هدف قرار داده بود. بدخواهان ملت ایران به دنبال خاموشی چراغ فرهنگ و هنر بودند و هستند. ما با این متغیر ۴۵ سال است درگیریم اما لطف خدا باعث شد از این گذرگاه به سلامت عبور کنیم.

وی در ادامه افزود: بیمه هنرمندان به یک عدد چند برابری در مقایسه با گذشته رسیده است، در همه بخش‌ها چنین آماری وجود دارد. قطعا کسی انتظار ندارد بعد از ۲ سال و اندی درباره برنامه صحبت کند، من اما از کارنامه صحبت می‌کنم.

در بخش پرسش و پاسخ‌ها وزیر در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه ۴۰۰ میلیارد تومان در چند شهر برای گسترش فعالیت‌های هنری در نظر گرفته شده است، گفت: یکی از مهم‌ترین بخش‌های عملکردی ارشاد تلاش برای ارتقای بودجه و زیرساخت‌ها بوده است.

اسماعیلی خاطرنشان کرد: ما در حوزه مدیریت فرهنگی شعار اصلی را بر مردمی‌سازی فرهنگ و هنر و عدالت فرهنگی گذاشتیم و برای این کار هم تلاش کردیم اقتضائات را فراهم کنیم. ما در طول سفرهای استانی رئیس‌جمهور نزدیک به ۹ هزار میلیارد تومان برای توسعه فعالیت‌های هنری تخصیص دادیم که برخی محقق شده است.

وزیر ارشاد ادامه داد: برای هفته‌های آینده جهت ادامه این برنامه‌ها آماده می‌شویم. ما به شهرستان‌ها این نگاه ویژه را داریم؛ در بودجه سال گذشته هزار میلیارد تومان برای ارتقای فرهنگ و هنر و رسانه و فعالیت‌های قرآنی در استان‌ها اختصاص دادیم، بخشی از این پول به نقشه مهندسی فرهنگی اختصاص می‌یابد و مابقی در قرارگاه شهید آوینی هزینه می‌شود.

وی افزود: ما نظریه جدید حکمرانی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی را در حال اجرا داریم که دولت از جایگاه تصدی در جایگاه تنظیم‌گری و تسهیل‌گری قرار گرفته است. در این جریان گروه‌های مردمی و تشکل‌های مردم‌پایه قرار دارند که باید متصدی شوند. ما برای استان‌های مختلف سرانه گرفتیم و برای هر انجمن تخصیص‌هایی داریم. اسماعیلی تاکید کرد: ما در ارشاد مسؤولیت شفاف‌سازی اطلاعات کشور را بر عهده داریم. ماده ۱۸ بر عهده شورایی گذاشته شده که در راس آن وزیر ارشاد و چند نفر دیگر قرار دارند و ما این کار را می‌کنیم. هر کجا که شفافیت در اولویت باشد، این کار را خواهیم کرد و اگر نقصی هست باید بررسی و جبران شود.

وی درباره چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر نیز گفت: امسال بیش از ۱۰۰ فیلم در جشنواره ثبت‌نام کردند و کار بررسی آن توسط یک هیات مجرب انجام و نتایج اعلام شد. گزارشی که از آقای خزاعی گرفتم مبنی بر این بود که ارزیابی داوران ما نشانگر رشد محسوس کیفی و وجود گونه‌های مختلف در جشنواره است، در همه گونه‌ها کارهای فاخری رسیده که باید از همه هنرمندان و اهالی سینما تشکر کنم. اسماعیلی تصریح کرد: من می‌خواهم از یک نقطه قوت صحبت کنم؛ فارابی که مهم‌ترین نهاد حمایتی در حوزه سینماست، امسال هیچ کار مستقلی نداشته و همه مشارکتی است و بخشی از این مشارکت با بخش خصوصی است. ۳۳ فیلم به جشنواره آمده‌اند. آثار بخش‌های مختلف باعث رونق سینما می‌شود، ما نیازمند مشارکت نهادها و بخش‌های مختلف برای رونق سینما هستیم و به نظرم این یک سیاست درست است.

وی افزود: درباره مکان برگزاری جشنواره فیلم فجر هم باید بگویم تلاش می‌شود بهترین تصمیم گرفته شود.

اسماعیلی درباره بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر نیز گفت: میزان استقبال تولیدکنندگان و تهیه‌کنندگان خارجی بسیار بالا است. در این بخش بیش از ۶۳۰ فیلم به جشنواره رسیده و حوزه جغرافیایی خوبی از کشورها را دربرمی‌گیرد.

روایتی از یک مستند در جشنواره عمار

رقصنده با گرگ

مهسا شکوری: الگوی تفکری ایالات‌متحده آمریکا در زمینه شناخت دشمنان خود بیشتر از آنکه یک نقشه باشد به یک نمایش شباهت دارد؛ نمایشی که تاکنون در نقاط مختلف جغرافیایی به شکل‌های گوناگون اجرا شده اما بازیگران و تماشاگران آن همیشه ثابت بوده‌اند: سیاستمداران آمریکا و شهروندان محترم ایالات‌متحده!

قریب به اکثریت سیاست‌های خارجی آمریکا با «دکترین مهار ترومن» جلو می‌رود. دکترینی که در حقیقت حافظ منافع آمریکا بوده است اما مانند تمام سیاست‌های ایالات‌متحده، پیشوند یا پسوند آزادی را بر دوش می‌کشد.

ایالات‌متحده در برابر اتفاقاتی مانند ملی‌شدن صنعت نفت در ایران، ملی‌شدن منابع مس و شرکت‌های مخابرات در شیلی، ملی‌شدن شرکت‌های «امریکن فروتز» در گواتمالا و کوبا، استقلال اندونزی و تشکیل جنبش غیرمتعهدها، قطع دسترسی به منابع اورانیوم در کنگو، سرپیچی صدام از دستورات واشنگتن، پیروزی انقلاب اسلامی و برچیده شدن نظام شاهنشاهی در ایران، تلاش برای آزادسازی مردم فلسطین و بازپس‌گیری مسجدالاقصی در تمام موارد بدون کمترین استثنایی خود را مأمور جلوگیری ازخطر کمونیسم، دفاع از حقوق‌بشر، مقابله با تروریسم و... نامیده و از طریق شیوه‌های تکراری و مرسوم خود سعی در بازگشت منافع به چرخه بقای خود داشته است.

مستند «رقصنده با گرگ» آخرین اثر علی عارضی است که در چهاردهمین جشنواره مردمی فیلم عمار به نمایش درآمد. مستندی که این بار نمایشنامه تکراری آمریکا در عراق را روایت می‌کند؛ زمانی که صدام به دنبال منابع جدید نفتی در کویت بوده و بوش پدر از این اتفاق راضی نیست.

تحلیلی که درباره این اثر می‌توان داشت این است که در مستند «رقصنده با گرگ» به خوبی نشان داده شده که یک ژاندارم منطقه‌ای مانند صدام یا محمدرضا پهلوی تا زمانی مورد پذیرش هستند که سیاست‌های ایالات‌متحده آمریکا را برآورده کنند اما خالی از لطف نیست که در ادامه این نوشتار به شیوه همیشگی رسانه‌های آمریکایی برای مشروعیت‌بخشی اقدامات واشنگتن اشاره شود؛ پدیده‌ای که در مستند «رقصنده با گرگ» نیز به آن اشاره شده است. طبق یک الگوی ثابت واشنگتن، ابتدا دشمنانش در اذهان عمومی شهروندان آمریکایی و جامعه بین‌الملل، به عنوان یک شیطان، دیو یا هیولا معرفی می‌شود. پس از آنکه این تصویر در اذهان عمومی ایجاد شد، آمریکا همچون یک ابرقهرمان یا منجی برای نجات بشریت و ایجاد جهانی متمدن و آزاد ظهور می‌کند. به این ترتیب هم دشمن، مشروعیت خود را در دنیا از دست می‌دهد و با قرار گرفتن در انزوا، از کمک کشورهای دیگر و اتحادیه‌های جهانی محروم می‌ماند و هم آمریکا مجوز لازم را برای پیاده‌سازی برنامه‌هایش جهت سرنگونی دشمن به دست می‌آورد. نکته حائز اهمیت دیگر که در شناخت منطق دشمنی ایالات‌متحده آمریکا با دیگر کشورها به آن برخورد می‌کنیم، شباهت عجیب نحوه برخورد آمریکا با دشمنان خود بوده که تنها با کمی تغییر مانند یک فیلم تکراری در سرتاسر دنیا در حال پخش است. سیاست خارجه آمریکا درست مانند فیلم‌های دنیای هالیوود است؛ یک قهرمان آمریکایی باورناپذیر و غیرقابل شکست، دارای یک هدف پوچ؛ به همراه یک نقشه فرضی که با زرق و برق‌های تکنیک آن را دارای شأن و اهمیت می‌سازند که همه اینها در کنار عضوی جدانشدنی معنا پیدا می‌کند و آن یک حریف جاهل و خونریز، مجهز به سلاح‌های زهوار در رفته و دارای انواع خصایل پلید است. روزی این حریف فیدل کاسترو بوده و روزی دیگر معمر قذافی و امروز ولادیمیر پوتین... .

اما فارغ از شیوه‌های تقابل ایالات‌متحده آمریکا، این مساله همچنان در جای خود باقی است. دشمنی آمریکا با تفکر و ایدئولوژی حاکم در کشورهایی است که مداخله او را نپذیرند. اما این پرسش به میان می‌آید که مگر این ایدئولوژی و تفکر ضد آمریکایی دقیقا به دنبال چه چیزی هستند؟ جواب این سوال در یک واژه خلاصه می‌شود؛ منافع!

این قانون ابدی یک سیاستمدار آمریکایی است که منافع کشورش را با هیچ‌کس تقسیم نخواهد کرد اما همه باید همه چیزشان را با او تقسیم کنند.